

مقالات (۱۵۹)

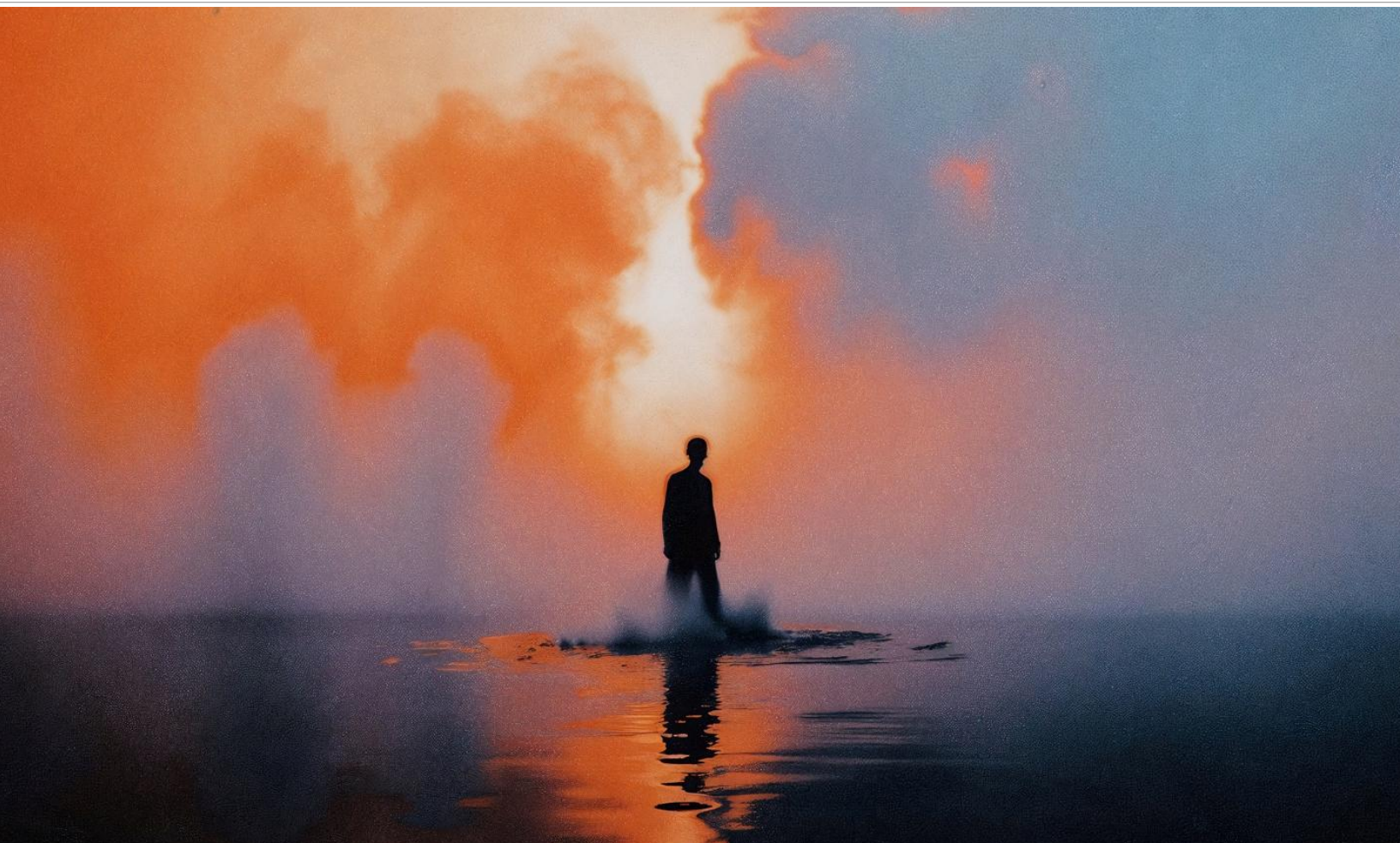


مرکز مطالعات متین

MatinStudies.com

گوهرهایی از سخنان امام ابن قیم دربارهٔ سعادت

گردآوری: فهد بن عبدالعزيز الشویرخ



گوه‌هایی از سخنان امام ابن‌قیم دربارهٔ سعادت |

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گوه‌هایی از سخنان امام ابن‌قیم دربارهٔ سعادت

سپاس و ستایش از آن‌الله پروردگار جهانیان است و درود و سلام بر شریف‌ترین پیامبران و رسولان، پیامبر ما محمد و بر خاندان و همهٔ یارانش باد.

اما بعد؛ سعادت از موضوعاتی است که علامه ابن‌قیم - رحمه‌الله - در تعدادی از کتاب‌های خود به آن‌ها پرداخته است. من بخشی از گفته‌های ایشان را گردآوری کرده‌ام و از خداوند می‌خواهم که آن را سودمند گرداند.

گوه‌هایی از سخنان امام ابن‌قیم دربارهٔ سعادت |

رسیدن به سعادت تنها از پلِ سختی و رنج می‌گذرد:

حکمت حق تعالی بر این قرار گرفته است که رسیدن به سعادت، نعمت و آسایش، جز از پلِ مشقت و سختی ممکن نباشد. ورود به سرای سعادت تنها از درگاه ناگواری‌ها، و صبر و تحمل دشواری‌ها میسر است؛ از همین روست که بهشت را در میان ناخوشاینده‌ها و دوزخ را در میان شهوات پیچیده‌اند.

[شفاء العلیل فی مسائل القضاء والقدر والحكمة والتعلیل]

فرمان‌بری از الله و رسول و به داوری گرفتن آنان، سبب سعادت دنیا و آخرت است:

خداوند متعال می‌فرماید: **{ذَلِك خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا}** [نساء: ۵۹] (این [کار] بهتر و خوش‌فرجام‌تر است)؛ یعنی این چیزی که شما را به آن فرمان دادم - از اطاعت من و اطاعت پیامبرم و اولی‌الامر، و بازگرداندن اختلافاتتان به سوی من و پیامبرم - برای زندگی و عاقبت شما بهتر است و سعادت شما در هر دو جهان در آن نهفته است؛ پس این کار برایتان نیکوتر و خوش‌سرانجام‌تر است.

گوه‌هایی از سخنان امام ابن‌قیم دربارهٔ سعادت

این آیه نشان می‌دهد که فرمان‌برداری از الله و پیامبرش و پذیرفتن داوری آنان، مایهٔ سعادتِ زودهنگام [در دنیا] و جاودان [در آخرت] است.

[الرسالة التبوكية]

سعادت در علم سودمند و عمل نیک است:

علم نافع و عمل نیک، دو چیزی هستند که بنده تنها با آنها با آنها به سعادت می‌رسد و راه نجاتی جز چنگ زدن به ریسمان آن دو ندارد. هر که این دو روزی‌اش شود، بی‌گمان رستگار شده و بهره برده است، و هر که از این دو محروم بماند، از همهٔ خیرها محروم گشته است. همین دو معیار، مایهٔ تقسیم بندگان به «بهره‌مند از رحمت» و «محروم» است و با این دو، نیکوکار از بدکار، پرهیزکار از گمراه، و دادگر از ستمگر بازشناخته می‌شود.

[أعلام الموقعين عن رب العالمين]

محور سعادت، اعتصام به الله است:

گوه‌هایی از سخنان امام ابن‌قیم دربارهٔ سعادت

مدار سعادت دنیا و آخرت بر اعتصام به الله و چنگ زدن به ریسمان او استوار است؛ و هیچ نجاتی نیست مگر برای کسی که به این دو پناهگاه چنگ زند. اعتصام به ریسمان او، انسان را از گمراهی باز می‌دارد و اعتصام به خود او، از نابودی حفظ می‌کند.

اعتصام به الله یعنی توکل بر او، پناه بردن به قدرت او و خواستن حمایت و نگاهبانی از او؛ چراکه ثمرهٔ این اعتصام، دفاع خداوند از بنده است و خداوند از کسانی که ایمان آورده‌اند دفاع می‌کند. پس هرگاه بنده به الله پناه برد، الله هر سببی را که به نابودی می‌انجامد از او دور کرده و وی را در برابر شبهات، شهوات، فریب دشمنان پنهان و آشکار و گزندِ نفس خویش حمایت می‌کند. خداوند آثار اسباب شر را حتی پس از شکل گرفتن، به اندازهٔ قدرت اعتصام بنده، از او دفع می‌نماید و قدر خویش را با قدری دیگر و خواست خود را با خواستی دیگر از او باز می‌دارد و بنده را از خود در پناه خود می‌گیرد.

[مدارج السالکین فی منازل السائرین]

خشنودی از تقدیر، از عوامل سعادت است:

رسول خدا ﷺ فرمودند: «از خوشبختی فرزند آدم، طلب خیر کردن (استخاره) از پیشگاه الله است، و از خوشبختی فرزند آدم، خشنودی اوست به آنچه الله برایش مقدر کرده؛ و از تیره‌بختی فرزند آدم، ناخشنودی اوست از مقدرات الهی، و از تیره‌بختی فرزند آدم، رها کردن استخاره (طلب خیر از الله) است.»

پس رضایت به قضا و قدر از اسباب سعادت، و اعتراض به آن از عوامل سیه‌روزی است.

[مدارج السالکین فی منازل السائرین]

رمز سعادت بنده:

از پیشگاه الله سبحانه و تعالی که تنها از او خواسته می‌شود و امید می‌رود دعایمان را اجابت کند، خواهانم که شما را از آنانی قرار دهد که چون نعمتی یابند شکر می‌گزارند، چون به بلایی گرفتار شوند صبر می‌کنند و چون گناهی مرتکب شوند استغفار می‌نمایند؛ چراکه این سه امر، رمز سعادت بنده و نشانهٔ رستگاری او در دنیا و آخرت است.

گوه‌هایی از سخنان امام ابن‌قیم دربارهٔ سعادت

[الوابل الصیب ورافع الکلم الطیب]

محور سعادت بر محبت الهی استوار است:

محبت، روح اسلام و قطب‌نمای دین و مدار سعادت و نجات است. خداوند برای هر چیزی سببی قرار داده و سبب محبت را مداومت بر ذکر قرار داده است؛ پس هر که می‌خواهد به محبت الله عزوجل دست یابد، باید زیانش را به ذکر او گویا کند.

[الوابل الصیب ورافع الکلم الطیب]

اصولی که سعادت انسان بر آنها بنا می‌شود:

اصولی که سعادت بنده بر آنها استوار است، سه چیزند که هر یک ضدی دارند و هر کس اصلی را از دست دهد، گرفتار ضد آن می‌شود: توحید که ضد آن شرک است، سنت که ضد آن بدعت است، و طاعت که ضد آن معصیت است. این سه اصل، یک ضد دارند و آن: خالی بودن دل از رغبت به الله و آنچه نزد اوست، و تهی بودن از بیم او و عذاب اوست.

گوه‌هایی از سخنان امام ابن‌قیم دربارهٔ سعادت |

[الفوائد]

از نشانه‌های سعادت بنده:

از نشانه‌های خوشبختی و رستگاری بنده آن است که هرچه بر دانش او افزوده شود، بر فروتنی و مهربانی‌اش افزوده گردد؛ هرچه بر عملش افزوده شود، بر خداترسی و پروایش افزوده شود؛ هرچه بر مالش افزوده شود، بر بخشندگی و ایثارش افزوده گردد و هرچه بر جایگاه و اعتبارش افزوده شود، به مردم نزدیک‌تر شده، نیازهایشان را بیشتر برآورد و در برابر آنان متواضع‌تر باشد.

[الفوائد]

انواع سعادت‌ی که مردم برمی‌گزینند:

سعادت‌هایی که مردم به دنبال آن هستند سه گونه است:
سعادت بیرون از ذات انسان: در واقع عاریتی است که از دیگران گرفته شده و با پس گرفتن آن عاریت، از بین می‌رود؛ مانند سعادت مال، مقام و پیامدهای

گوه‌هایی از سخنان امام ابن‌قیم دربارهٔ سعادت |

آن‌ها. چه بسیارند کسانی که با این‌ها شادمانند و مورد توجه و نگاه دیگران قرار دارند، اما در یک روز چنان ذلیل می‌شوند که گویی خاری در کویری هستند که با هر سنگی کوبیده می‌شوند. شادی به این سعادت، مانند شادی فرد طاسی است که به موهای پرپشتِ پسرعمویش افتخار کند؛ زیبایی با آن، همچون زیباییِ فرد به لباس و پوشش اوست که چون چشم از لباسش فراتر رود، «پشت عبادان (آبادان) قریه‌ای نیست!» (یعنی چیزی در ورای آن نیست و این یک ضرب‌المثل عربی است).

سعادت دوم، سعادت در بدن است: مانند تندرستی، اعتدال مزاج، تناسب اندام، زیباییِ چهره، صفا و شادابی رنگ پوست و نیرومندی اعصاب. این سعادت از نوع اول به انسان نزدیک‌تر است اما در حقیقت باز هم بیرون از ذات و حقیقت اوست؛ چراکه انسان به روح و قلبش انسان است نه به جسم و بدنش، چنان‌که گفته شده:

ای خدمتگزارِ جسم! تا کی در پی رنجِ خدمت به‌آنی؟

تو با روح خود انسانی، نه با تن و پیکرت.

گوه‌هایی از سخنان امام ابن‌قیم دربارهٔ سعادت

نوع سوم که سعادت حقیقی است: سعادت است که به نفس، روح و دل مربوط می‌شود و آن سعادت ناشی از «علم سودمند» و ثمرهٔ آن است. تنها این سعادت است که با دگرگونی احوال باقی می‌ماند و در تمام سفرها و در هر سه سرای بنده - دنیا، برزخ و سرای ابدی - همراه اوست و با آن در پلکان فضل و مراتب کمال بالا می‌رود. سعادت نوع اول تنها در جایی همراه اوست که مال و مقامش باشد؛ و نوع دوم نیز با کهولت سن و ضعف ناشی از پیری در معرض زوال و دگرگونی است.

پس در حقیقت سعادت جز این نوع سوم نیست که هرچه زمان بر آن بگذرد، قوی‌تر و والاتر می‌شود. اگر مال و مقامی نباشد، همین دانش است که ثروت و اعتبار بنده می‌شود؛ و قدرت و اثرش پس از جدایی از بدن - هنگامی که آن دو سعادت اول قطع شدند - نمایان می‌گردد.

قدر این سعادت را کسی نمی‌شناسد و کسی در پی آن نمی‌رود مگر با شناخت و آگاهی از ارزش آن؛ پس تمام سعادت به «علم» و اقتضائات آن بازمی‌گردد.

گوه‌هایی از سخنان امام ابن‌قیم دربارهٔ سعادت

خداوند هر که را بخواهد توفیق می‌دهد؛ آنچه او عطا کند بازدارنده‌ای ندارد و آنچه او منع کند بخشنده‌ای نخواهد داشت.

بیشتر مردم به سبب ناهمواری راه، دشواری شروع و رنج به دست آوردنش، از کسب این سعادت روی‌گردانند؛ چراکه جز با گذشتن از پلِ سختی به دست نمی‌آید و تنها با تلاش خالصانه حاصل می‌شود. برخلاف دو سعادت اول که ممکن است نصیب کسی شود که در پی آن نبوده، یا از طریق ارث و بخشش و مانند آن به دست آید؛ اما سعادت علم را جز با بذل تمام توان، طلب صادقانه و نیت درست به تو نمی‌بخشند.

هر کس همتش متوجه امور والا شد، بر او واجب است که راه‌های پست را بر همت خویش ببندد. این سعادت اگرچه در آغاز با نوعی سختی همراه است، اما هرگاه نفس به آن وادار شود و خواه ناخواه به سویش کشانده شود و بر دشواری‌هایش صبر کند، سرانجام به بوستان‌هایی دل‌انگیز، جایگاه‌هایی راستین و مقامی کریم می‌رسد که هر لذتی در برابر آن ناچیز می‌نماید.

[مفتاح دار السعادة]

گوه‌هایی از سخنان امام ابن‌قیم دربارهٔ سعادت |

هر کس عقل‌گریزی و اکتسابی را با هم داشته باشد، لشکرهای سعادت به او روی آورده است:

عقل بر دو گونه است: یکی عقل‌گریزی (ذاتی) که پدر علم، پرورش‌دهنده و بارورکنندهٔ آن است؛ و دیگری عقل اکتسابی و به دست آمده که فرزند علم، میوه و نتیجهٔ آن است.

هرگاه این دو در بنده گرد آیند، این فضل خداست که به هر که بخواهد می‌بخشد؛ در این صورت کار او سامان می‌یابد و لشکریان سعادت از هر سو به او روی می‌آورند. اما اگر کسی هر دو را از دست بدهد، چهارپایان از او خوش‌روزگارترند و اگر تنها یکی از این دو را داشته باشد، به اندازهٔ نبود دیگری، از کمالش کاسته می‌شود.

[مفتاح دار السعادة]

دوست داشتن علم پیامبران از نشانه‌های سعادت است:

دوست داشتن علم از نشانه‌های خوشبختی و دشمنی با آن از نشانه‌های سیاه‌روزی است؛ و البته منظور از دانش در اینجا، تنها همان علمی است که

گوه‌هایی از سخنان امام ابن‌قیم دربارهٔ سعادت

پیامبران آورده و برای امت به ارث گذاشته‌اند، نه هر چیزی که نام علم بر آن نهاده می‌شود.

[مفتاح دارالسعادة]

پرداختن بنده به عیوب خویش، از نشانه‌های سعادت است:

خوشا به حال کسی که پرداختن به عیب خویش، او را از جست‌وجوی عیوب مردم باز دارد؛ و وای بر کسی که عیب خود را فراموش کند و به عیب‌جویی از دیگران بپردازد. این از نشانه‌های بدبختی است، چنان‌که مورد اول از علائم سعادت به شمار می‌رود.

[مفتاح دارالسعادة]

نشانهٔ سعادت آن است که نیکی‌های بنده پشت سرش باشند:

هرگاه خداوند برای بندهٔ خود خیری بخواهد، دیدن طاعت‌هایش را از یاد او می‌برد و آن‌ها را از دل و زبانش دور می‌کند... پس نشانهٔ سعادت آن است که نیکی‌های بنده پشت سرش (فراموش‌شده) و گناهانش پیش چشمش

گوه‌هایی از سخنان امام ابن‌قیم دربارهٔ سعادت |

باشند؛ و نشانهٔ بدبختی آن است که نیکی‌های خود را پیش چشم آورد و گناهانش را پشت سر اندازد.

[مفتاح دار السعادة]

توحید، دروازهٔ سعادت را به روی بنده می‌گشاید:

توحید، درهای خیر، شادی، لذت و سرور را به روی بنده باز می‌کند؛ و توبه، پاک‌سازی وجود از آلودگی‌ها و مواد فاسدی است که مایهٔ بیماری‌های روحی اوست و وی را از درهم‌آمیختگی [عوامل بیماری] حفظ می‌کند. پس با توحید، دروازهٔ سعادت و نیکی باز می‌شود و با توبه و استغفار، دروازهٔ شرور بسته می‌گردد.

[زاد المعاد إلی هدی خیر العباد]

سعادت همراه با اهل راستی و تصدیق است:

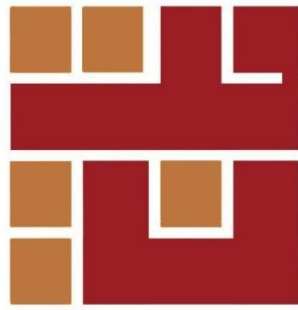
پروردگار متعال آفریدگان را به دو گروه تقسیم کرده است: سعادت‌مندان و تیره‌بختان؛ سعادت‌مندان را اهل راستی و باور (صدق و تصدیق) قرار داده و

گوه‌هایی از سخنان امام ابن‌قیم دربارهٔ سعادت |

تیره‌بختان را اهل دروغ و تکذیب. این تقسیمی فراگیر و گریزناپذیر است؛
چراکه سعادت همواره بر مدار راستی و تصدیق می‌چرخد و بدبختی بر محور
دروغ و تکذیب.

[زاد المعاد إلی هدی خیر العباد]

گردآوری: فهد بن عبدالعزیز الشویرخ



مرکز مطالعات متین

www.MatinStudies.com

t.me/MatinStudies

facebook.com/MatinStudies

Instagram.com/Matinstudies

X.com/Matinstudies